

بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان نورآباد دلفان (استان لرستان)

محمدتقی سبزه‌ای^۱

پرویز رحیمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲ / ۰۳ / ۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱ / ۱۰ / ۲۱

چکیده

مشارکت اجتماعی عنصری کلیدی در توسعه است و اعتماد اجتماعی یکی از مهم‌ترین عواملی است که بستر مشارکت اجتماعی را فراهم می‌کند. هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان شهر نورآباد است. جامعه‌ی آماری تحقیق عبارت است از کلیه‌ی افراد ۱۶ سال به بالای شهر نورآباد که بر اساس سرشماری ۱۳۸۵، ۲۰۸۰۰ نفر است. حجم نمونه ۳۵۶ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران بدست آمده است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شده است، به صورتی که ابتدا شهر نورآباد بر اساس ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی به پنج خوشه تقسیم و سپس نمونه‌ها به روش تصادفی از هر خوشه انتخاب شدند. روش تحقیق پیمایشی و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ی محقق ساخته استفاده شده است. چهارچوب نظری تحقیق نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی پاتنام، اینگلهارت، کلمن و زتومپکا است. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون t دو نمونه‌ای مستقل، آزمون واریانس یک‌طرفه، ضریب همبستگی (پیرسون) و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین متغیرهای اعتماد فردی، اعتماد نهادی، جنس و مشارکت اجتماعی رابطه‌ی مثبت معنادار وجود دارد. بیشترین میزان مشارکت مربوط به مردان و شاغلین است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که اعتمادی نهادی و جنس بیشترین میزان تأثیر را بر مشارکت اجتماعی دارد.

کلید واژه‌ها: مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد فردی، شهروندان

مقدمه و طرح مسأله

مشارکت اجتماعی فعالیت‌های ارادی است که از طریق آن‌ها اعضای جامعه در امور محل زندگی شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند. زتومپکا اعتماد را شرط‌بندی درباره‌ی کنش‌هایی می‌داند که دیگران در آینده انجام خواهند داد. (زتومپکا، ۱۳۸۴). پارسونز اعتماد را مدل درونی شده‌ی ارزش‌ها، هنجارها و تعهدات از طریق عام‌گرایی و مبنای آن را توافق در ارزش‌های جمعی می‌داند (ورسلی، ۱۳۸۷: ۷۰). به نظر آیزنشتاد، مهم‌ترین مسأله‌ی نظم اجتماعی نزد دورکیم و تا اندازه‌ای نزد تونیس، اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی در نزد آن‌ها بدون انسجام اجتماعی و اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). پاتنام عقیده دارد که اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح آن در جامعه‌ایی بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیش‌تر خواهد بود و همکاری نیز متقابلاً ایجاد اعتماد می‌کند. اعتماد عنصر ضروری همکاری و غیراختیاری و ناآگاهانه است. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

سؤال اصلی این تحقیق این است که چرا در شهر نورآباد، به رغم کوچک بودن شهر و آشنایی بیشتر مردم و اقوام با یکدیگر، افراد در برقراری رابطه و همکاری و گسترش تعاملات با دیگران دور محتاطانه عمل می‌کنند و روحیه‌ی خودمحموری، تک‌روی و منفعت‌طلبی در روابط آن‌ها با هم مانند شهروندان کلان‌شهرها کم‌وبیش وجود دارد.

در اثر دگرگونی‌های اقتصادی- اجتماعی شهر نورآباد در چند دهه‌ی گذشته از جمله گسترش شهر، مهاجرت‌پذیری، تغییر شیوه‌ی تولید و در نتیجه ایجاد فرصت‌های شغلی غیرکشاورزی، تغییرات جمعیتی شدید، دگرگونی ساختار طبقاتی تعاملات اجتماعی مردم خارج از شبکه‌ی خویشاوندی و قومی گسترش یافته است. این در حالی است که هنوز خاص‌گرایی نشئت گرفته از خرده فرهنگ روستایی و قبیله‌ای بر رفتار اجتماعی بسیاری از شهروندان نورآباد حاکم است که مانعی برای مشارکت اجتماعی شهروندان در زندگی شهری است. این مسأله ضرورت توجه جدی به تغییر رفتارهای قومی و قبیله‌ای به رفتارهای مدنی که برای زندگی شهری نیاز است، ضروری می‌سازد.

این تحقیق درصدد است تا به بررسی وضعیت مشارکت و سطح اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر افزایش یا کاهش آن‌ها در شهر نورآباد بپردازد.

پیشینه‌ی تحقیق

یافته‌های تحقیق ناطق‌پور و گلایی درباره‌ی میزان مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد بیش از نیمی از افراد تمایل زیادی به مشارکت دارند و فقط $\frac{3}{6}$ درصد تمایل کمی به مشارکت دارند. در خصوص میزان اعتماد اجتماعی نزدیک به نیمی از پاسخگویان ($\frac{49}{6}$ درصد) دارای اعتماد اجتماعی متوسط، حدود ۲۴ درصد میزان اعتماد متوسط به بالا و بالاست و در مقابل، $\frac{26}{7}$ درصد پاسخگویان دارای اعتماد متوسط پایین یا پایین‌اند. همچنین، بین متغیر سن و میزان اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد: یعنی هرچه سن بالاتر می‌رود از میزان اعتماد اجتماعی کاسته می‌شود بنابراین، رابطه بین این دو متغیر معکوس است. رابطه‌ی بین تأهل و اعتماد نیز معنادار است؛ یعنی میزان اعتماد در نزد متأهلان بیش‌تر از مجردهاست. در این تحقیق، بین متغیر تحصیلات و میزان اعتماد رابطه‌ی معناداری مشاهده نشده است و دلیلش احتمالاً خطای نمونه‌گیری است.

داده‌های تحقیق از کیا و غفاری پیرامون رابطه‌ی اعتماد و مشارکت اجتماعی حاکی از آنست که میزان اعتماد اجتماعی در بین روستاییان در $\frac{14}{7}$ درصد موارد کم، $\frac{61}{8}$ درصد متوسط و $\frac{23}{5}$ درصد زیاد ارزیابی شده است. بر اساس نمرات پاسخ‌گویان میزان مشارکت اجتماعی در میان $\frac{35}{9}$ درصد افراد کم، $\frac{47}{6}$ درصد متوسط و برای $\frac{16}{5}$ درصد زیاد است. داده‌های جمع‌آوری شده از جامعه‌ی مورد مطالعه در این تحقیق دلالت بر وجود رابطه‌ی معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین دو متغیر میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی دارند، میزان همبستگی بین این دو متغیر ۵۲ درصد است یعنی با افزایش اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی افزایش پیدا کرده است (غفاری، ۱۳۸۰).

مارشال (۲۰۰۴) در تحقیقی درباره‌ی سازمان‌های محله‌ای، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی دریافته است که مدیران محلی می‌توانند مشارکت شهروندان را با ایجاد ساختارهای مشارکتی مانند سازمان‌های محله‌ای افزایش دهند. پایگاه اقتصادی - اجتماعی (درآمد، تحصیلات و سوگیری مدنی) با سطح مشارکت رابطه عمیقی دارد. آن‌هایی که پایگاه بالاتری دارند، به منابع بیش‌تری دسترسی دارند، مهارت‌های بین فردی بهتر و تعاملات اجتماعی بیش‌تری دارند. بعلاوه، بین سوگیری مدنی، بویژه ابعاد خود کارآمدی و اعتماد و مشارکت، رابطه معنایی وجود دارد.

چهارچوب نظری تحقیق

اعتماد مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی است که به مثابه‌ی سازوکاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی و تسهیل مشارکت اجتماعی، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های مردم‌سالارانه عمل می‌کند. اعتماد موجب پیوند وثیق شهروندان با نهادهای مختلف اجتماعی و تقویت، ارتقاء، اثربخشی و مشروعیت نهادهای اجتماعی است (فوکویاما، ۱۹۹۵). به نظر گیدنز، اعتماد ابراز اطمینان به اشخاص یا نظام‌های مجرد بر اساس نوعی جهش به ایمان است که به‌طور معمول، مشکل نادانی یا بی‌اطلاعی را برطرف می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۲۳). به نظر کلاس اوفه، اعتماد به معنای این باور است که دیگران با اقدام یا خودداری از اقدام خود به رفاه من یا ما کمک می‌کنند و از آسیب زدن به من خودداری می‌کنند (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۱۲). به نظر زتومپکا، اعتماد در متن کنش‌های انسان که مهم‌ترین ویژگی آن جهت‌گیری معطوف به آینده است، نمود پیدا می‌کند. هرچه میزان کنترل ما بر کنش‌های آینده کم‌تر باشد، نیاز ما به اعتماد بیشتر می‌شود. به زعم او، اعتماد کردن یعنی شرط بستن بر آینده نامعین و کنش‌های کنترل‌ناپذیر دیگران که همیشه همراه با مخاطره است. زتومپکا سطح اعتماد را به صورت لایه‌هایی در نظر می‌گیرد که از عینی‌ترین روابط میان اعضای خانواده شروع شده و تا انتزاعی‌ترین روابط مانند اعتماد به نظم اجتماعی، کارآیی نظام و غیره ادامه دارد (زتومپکا، ۱۳۸۶: ۳۷). بر اساس دیدگاه پاتنام، سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان شبکه‌هایی از انجمن‌های ارادی و داوطلبانه دانست که به وسیله اعتماد گسترش یافته‌اند. اعتماد و مشارکت به‌طور متقابل به یکدیگر وابسته‌اند. اعتماد از زندگی گروهی پدید می‌آید و در همان زمان توانمندی‌های خودجوش را برای شکل‌گیری و تشکل انجمن‌ها فراهم می‌کند. از منظر پاتنام، تئوری سرمایه‌ی اجتماعی فرض می‌کند که هرچه بیشتر با افراد دیگر ارتباط داشته باشیم؛ بیشتر به آن‌ها اعتماد می‌کنیم و برعکس (پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۵). به نظر اینگلهارت، اعتماد اجتماعی واقعیتی اجتماعی-اقتصادی است که ریشه در زمینه‌ها و تجارب اجتماعی تاریخی جامعه دارد (اینگلهارت، ۱۳۷۴: ۳۶). کلمن با بیان این مطلب که همه‌جا نباید اعتماد کرد، در رابطه‌ی اعتماد حداقل دو طرف اعتمادکننده و امین را لازم می‌داند. کلمن در برقراری اعتماد از کنشگر معقولی سخن می‌گوید که زیان و منفعت بالقوه را می‌سنجد و این کنشگر عقلانی با کنشگر قابل اعتماد و قابل اعتمادتر معامله و رفتار خواهد کرد. بنظر کلمن، هرچه رابطه اعتماد طولانی‌تر و سودی که امین از آن رابطه توقع دارد بیش‌تر باشد، اعتماد بیشتر خواهد بود. به نظر کلمن، اعتماد از سطح عضویت در

انجمن‌ها به سطح گسترده‌تر جامعه منجر می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۷۲). لومان کارکرد اعتماد اجتماعی را در درون سیستم اجتماعی بررسی می‌کند و با نظم در جامعه مقایسه می‌کند. به اعتقاد او، کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی این است که عدم تعین اجتماعی را کاهش و باعث افزایش قابلیت پیش‌بینی رفتارها می‌شود. اعتماد در واقع، نوعی مکانیسم اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال و رفتارها تنظیم و هدایت می‌شود (لومان، ۱۹۷۹: ۱۲).

اما مشارکت از نظر لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص است. در مجموع می‌توان جوهره‌ی اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (میرموسوی، ۱۳۷۵: ۷۵). از منظر جامعه‌شناسی، بین مشارکت به مثابه‌ی عمل و تعهد (عمل مشارکت) و مشارکت به عنوان حالت و وضع (امر شرکت کردن) تفاوت وجود دارد. مشارکت در معنای اول، شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام‌شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۷۵).

پاتنام معتقد است، اعتمادی که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود باعث افزایش مشارکت اجتماعی است. به باور پاتنام، شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای محکمی از بده‌وبستان‌های عمومیت‌یافته را رواج می‌دهند؛ اعتماد اجتماعی را ترغیب می‌کنند و موجب تسهیل همکاری، هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق معضل کنش جمعی را حل می‌کنند (پاتنام، ۱۹۹۵). اینگلههارت افزایش مشارکت در جوامع پیشرفته را به سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر ارزش‌های حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی نسبت می‌دهد (اینگلههارت، ۱۳۷۳: ۳۷۸). به اعتقاد او، شبکه‌ها نتیجه اعتماد مردم به یکدیگرند، نه اینکه اعتماد محصول جانبی انجمنی شدن مردم باشد. مردمی که به یکدیگر اعتماد می‌کنند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا در وضعیت‌های مختلف از گروه ورزشی گرفته تا محل کار انجمن تشکیل دهند و با این کار بیشتر به یکدیگر اعتماد کنند (رز، ۱۹۹۹: ۷۸). از نظر لرنر، مشارکت یکی از عوامل مهم در توسعه است که مستلزم عوامل زمینه‌سازی نظیر آمادگی ذهنی، شهرنشینی، تحصیلات است. لرنر معتقد است، پتانسیل توسعه در جامعه‌ایی به‌وجود می‌آید که امکان مشارکت سیاسی و اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی در آن بسیار بالا باشد و این منوط به

رشد شهرنشینی با داشتن امکانات فراوان در آن جامعه است (از کیا ۱۳۸۰: ۹۴). نگرش کلی هانتینگتون و نلسون این است که در کشورهای در حال توسعه، مشارکت اجتماعی بطور اعم و مشارکت سیاسی بطور اخص، فی‌نفسه هدف محسوب نمی‌شود و معمولاً تابعی از تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌های آن‌ها، یا به‌طور کلی، محصول جانبی توسعه است (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴-۵۵).

روش تحقیق

در این تحقیق از رویکردی تلفیقی استفاده شده است تا از خردنگری و کلان‌نگری محض دوری شود. با بررسی مجموعه نظریات پیرامون اعتماد و مشارکت، نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی پاتنام، کلمن، اینگلهارت و زتومپکا با هم ترکیب شدند. سطح تحلیل پاتنام فرد و گروه است. اینگلهارت در سطح کلان و کلمن در سطح خرد سرمایه‌ی اجتماعی را تحلیل می‌کنند. البته سطح تحلیل کلمن نوعی اتصال سطح خرد و کلان است و تقریباً رویکردی تلفیقی است. زتومپکا نیز با ارائه‌ی یک سنخ‌شناسی جامع از اعتماد با نظریه‌ای تلفیقی به بحث عاملیت و ساختار می‌پردازد و اعتماد را در سطوح مختلف بررسی می‌کند. به‌نظر می‌رسد که تلفیقی از رویکردهای فوق‌بتوانند رابطه اعتماد و مشارکت را در جامعه‌ی آماری به خوبی بررسی و تحلیل کند.

در این تحقیق به لحاظ مفهومی از روش مطالعه اسنادی و از حیث تجربی در بررسی متغیرهای پژوهش، تحلیل و آزمون فرضیات از روش پیمایش استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه گردآوری شده است که ابتدا پرسشنامه تحقیق به تعداد ۳۰ نفر مورد پیش‌آزمون قرار گرفت و اصلاحات لازم در آن صورت گرفت و سپس جهت اطمینان، پایایی سؤالات از طریق آزمون آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت که در مجموع آلفای محاسبه شده برای هر کدام از شاخص‌ها بیشتر از ۰/۷۰ بود. مقیاس‌های اعتماد فردی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی و مشارکت به ترتیب ۰/۷۳/۷۷، ۰/۸۴/۰، ۰/۸۴/۰ به‌دست آمد. پردازش و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی شامل آزمون t دو نمونه‌ای مستقل، آزمون واریانس یک‌طرفه، رگرسیون گام به گام، آزمون‌های معنی‌دار بودن تفاوت میانگین‌ها و نسبت‌ها، تحلیل واریانس، ضریب همبستگی (پیرسون)، تحلیل مسیر و تست‌های معنی‌دار بودن مورد محاسبه قرار گرفته است.

جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری این تحقیق را کلیه‌ی افراد ۱۶ سال و بالاتر شهر نورآباد تشکیل می‌دهند که بر اساس سرشماری ۱۳۸۵، ۲۰۸۰۰ نفر است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی است؛ به صورتی که ابتدا شهر نورآباد بر اساس ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی به پنج خوشه تقسیم شد: خوشه‌ی (۱) فاز یک و فاز دو فرهنگیان و شهرک خرم مسکن، خوشه‌ی (۲) مرکز شهر، خوشه‌ی (۳) کشتارگاه، ۲۴ متری و الفت‌آباد، خوشه‌ی (۴) آزادگان و حومه و خوشه‌ی (۵) منصورآباد، جهادگران و پاسداران و سپس هر یک از خوشه‌ها به واحدهای کوچک‌تر (کوچه) تقسیم شده و از هر کوچه چندین خانوار به روش تصادفی انتخاب شدند و با مراجعه به درب منازل، ضمن توجیه آنها و دادن مهلت کافی، پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفت. در خانوارهای بی‌سواد، پژوهشگر خود اقدام به طرح سؤال به صورت شفاهی و درج پاسخ آنان در پرسشنامه نموده است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های اصلی این تحقیق عبارتند از:

- به نظر می‌رسد بین اعتماد تعمیم‌یافته و مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین اعتماد بین‌فردی و مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات، شغل، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن و درآمد) و مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

تعریف مفاهیم و متغیرها

اعتماد اجتماعی: منظور از اعتماد اجتماعی در این تحقیق انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده‌ی اجتماعی افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است (پاکستون، ۱۹۹۹: ۱۰۵)، که از ترکیب سه متغیر مستقل اعتماد فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی به‌دست آمده است.

اعتماد فردی: اعتماد بین‌فردی بر اساس روابط مستقیم و چهره به چهره و در ارتباط با تعامل و روابط میان اعضای خانواده، دوستان، همکاران و دیگر موارد مشابه بروز می‌کند

(غفاری، ۱۳۸۳: ۱۳) که با ۵ شاخص ترکیبی اندازه‌گیری شده است: صداقت و حقیقت‌گویی (صداقت همسر، صداقت همسایه)، امین بودن (امانت‌داری دوستان در برگرداندن قرض)، روابط صمیمی (داشتن روابط صمیمی با همسر، با خانواده شامل پدر و مادر و با همکاران)، اطمینان (به دوستان، به خواهر و برادر و به خویشاوندان)، تعهد (تعهد هم‌محلله‌ای‌ها).

اعتماد تعمیم یافته: این اعتماد، داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف شده است که با ۱۰ شاخص ترکیبی اندازه‌گیری شده است: قابلیت اعتماد داشتن (میزان اعتماد به غریبه‌ها، اعتماد به صرفه‌جویی مردم در زمان کمبود)، رک‌گویی، اطمینان (اطمینان به مشارکت در امور مالی با دیگران، اطمینان به قول و قرار شفاهی دیگران)، امنیت (نگرانی از تردد شبانه بستگان در محله‌های شهر)، ریا و تزویر (رواج ریا و تزویر در بین مردم)، پای‌بندی به قول و قرار، عدم صداقت (وجود پرونده‌های زیاد در دادسراها ناشی از عدم صداقت)، درست‌کار و بی‌پایه و شیله بودن، امانت‌داری (برگرداندن اشیاء گم‌شده از سوی دیگران، برگرداندن قرض از سوی دوستان)، محتاط بودن (ترس از دیگران به دلیل داشتن تجربیات منفی، نیاز اعتماد کردن به زمان، تجربه و امتحان).

- **اعتماد نهادی:** اعتماد نهادی بر اعتماد مردم به مقبولیت و کارایی نهادهای دولتی اشاره دارد. برای سنجش اعتماد نهادی شاخص‌های ترکیبی نظیر تخصص و مهارت در انجام کار، مسئولیت‌پذیری، صداقت و درست‌کاری، وفای به عهده، عدالت‌محور بودن، پارتی‌بازی و تبعیض، دوراندیشی و تدبیر، مردمی بودن، دادخواهی، انتقادپذیری و داشتن برخورد خوب.

مشارکت اجتماعی: منظور از مشارکت اجتماعی فعالیت‌های آگاهانه، داوطلبانه، هدفمند و جمعی افراد در امور زندگی روزمره‌ی شهری شامل فعالیت‌های رسمی و غیررسمی است که در این تحقیق با شاخص‌های زیر سنجیده شده است: شرکت در مراسم ملی و مذهبی (شرکت در نماز جمعه، عاشورای حسینی، عید نوروز، جشن‌ها)، شرکت در مراسم غیررسمی (شرکت در عروسی‌ها، عزاداری‌ها و جشن‌های ملی)، شرکت در امور محله (شرکت در بسیج محله، مکاتبه یا مراجعه جهت حل مشکلات محله) کمک به گروه‌ها و انجمن‌های خیریه، مذهبی و فرهنگی (کمک به مؤسسات خیریه، کمک به تجهیز و احداث کتابخانه‌ها، کمک به احداث مسجد)، کمک به آسیب‌دیدگان و مصدومان حوادث (کمک به زلزله‌زدگان، کمک به مصدومان تصادفات)، شرکت در انتخابات (شرکت در انتخابات شورای شهر، مجلس و ریاست جمهوری)، مشارکت در امور شهری (پرداخت عوارض، کمک به حل مشکل ترافیک،

کمک به برگزاری نمایشگاه‌ها، شرکت در همایش‌های خانوادگی، داشتن روابط اجتماعی (داشتن روابط با همکاران، دوستان)، تمایلات همکاری جویانه (همکاری با مأمورین برقراری نظم و امنیت، مأمورین نظارت و بهداشت)، دگرخواهی تحمل مشکلات به خاطر حل مشکلات شهری) مشارکت در امور ورزشی (همکاری در تشکیل تیم‌های ورزشی، کمک به برگزاری مسابقات در سطح محله، شهر، استان و ملی).

یافته‌های تحقیق

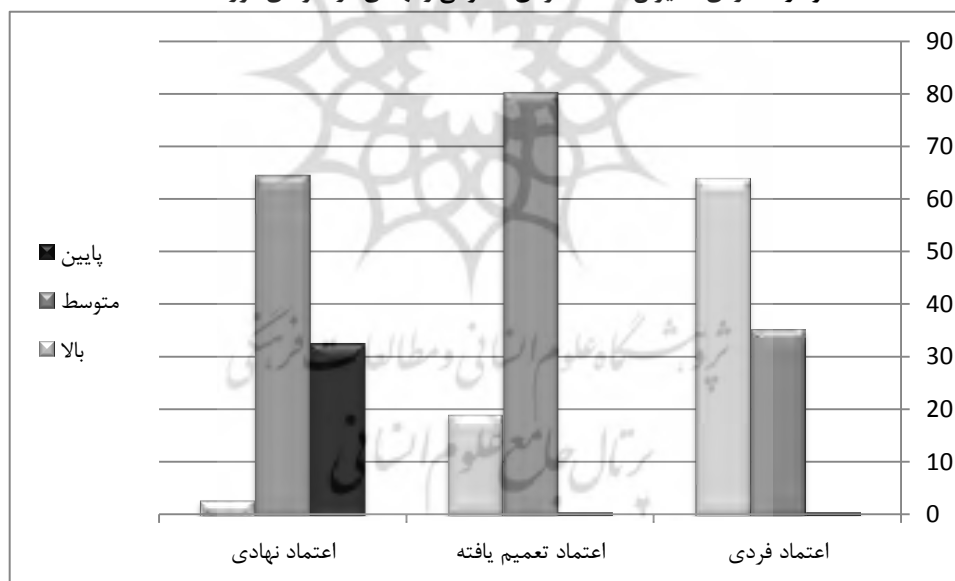
با توجه به نتایج به دست آمده، میانگین سنی افراد پاسخ‌گو ۳۰/۲۳ سال است که بیانگر جوان بودن اکثر افراد نمونه است. بیش‌ترین فراوانی تحصیلات مربوط به گروه لیسانس است؛ به طوری که ۴۲/۷ درصد افراد در این گروه جای می‌گیرند. ۳۳/۷ درصد افراد پاسخ‌گو زنان و ۶۶/۳ درصد دیگر را مردان تشکیل می‌دهند که تعداد مردان حدود دو برابر زنان است. از مجموع ۳۵۶ نفر حجم نمونه ۱۲۴ نفر مجرد (۳۴/۸ درصد) و ۲۳۲ نفر متأهل (۶۵/۲ درصد) می‌باشند. در ضمن، نسبت پاسخ‌گویان متأهل بیش‌تر از پاسخ‌گویان مجرد است. از نظر گروه‌های شغلی، کارمندان بیش‌ترین (۳۰/۹ درصد) و کشاورزان کمترین (۲/۸ درصد) پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهند.

الف) تحلیل توصیفی شاخص‌های اعتماد فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی یافته‌های تحقیق حاکی از آنست که از کل پاسخ‌گویان حدود ۰.۶ درصد از اعتماد فردی پایین، ۳۵.۴ درصد از اعتماد فردی متوسط و حدود ۶۴ درصد از اعتماد فردی بالا برخوردارند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که وضعیت اعتماد تعمیم یافته در شهر نورآباد متوسط است. در این شاخص کم‌تر از ۱ درصد پاسخ‌گویان دارای اعتماد پایین، حدود ۸۳.۳ درصد دارای اعتماد متوسط و ۱۹.۱ درصد دارای اعتماد بالا هستند. مقیاس سنجش اعتماد نهادی از ترکیب شاخص‌های اعتماد به مسئولان دولتی، اعتماد به نهادها، سازمان‌ها و اقشار به دست آمده است که در سه مقوله‌ی ضعیف، متوسط و قوی طبقه‌بندی شده است. با توجه به داده‌های جدول ۱ میزان اعتماد به مسئولان و نهادها پایین است. به عبارت دقیق‌تر، ۳۲.۶ درصد پاسخ‌گویان از اعتماد پایین، ۶۴.۶ درصد پاسخ‌گویان از اعتماد متوسط و ۲۸ درصد آن‌ها از اعتماد بالایی نسبت به مجموعه‌ی دولت (مسئولان و نهادها) برخوردارند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی میزان انواع اعتماد (فردی، عمومی و نهادی)

اعتماد نهادی	اعتماد تعمیم یافته	اعتماد فردی	میزان اعتماد	
			فراوانی	پایین
۱۱۶	۳	۳	فراوانی	پایین
۳۲.۶	۰.۶	۰.۶	درصد	
۲۳۰	۲۸۵	۱۲۶	فراوانی	متوسط
۶۴.۶	۸۰.۳	۳۵.۴	درصد	
۱۰	۶۸	۲۲۷	فراوانی	بالا
۲.۸	۱۹.۱	۶۴	درصد	
۲.۲۷۷	۳.۴۲۴	۳.۷۵۲	میانگین	
۰.۶۰۷	۰.۳۸۳	۰.۴۵۶	انحراف معیار	
۳.۷۹	۱.۷۱	۲.۴۲	حداقل	
۴.۷۹	۴.۶۴	۴.۹۲	حداکثر	

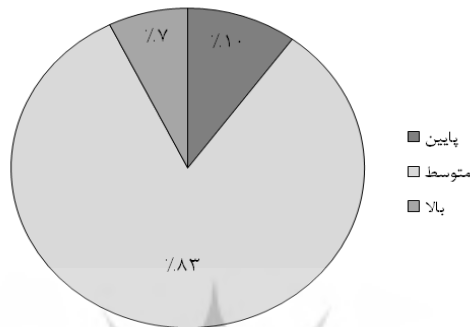
نمودار شماره ۱: میزان اعتماد فردی، عمومی و نهادی در نمونه‌ی مورد مطالعه



شاخص کلی اعتماد اجتماعی: میزان اعتماد اجتماعی که از ترکیب سه نوع اعتماد فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی به دست آمده در نمودار زیر نشان داده شده است. حدود ۱۰.۱ درصد افراد دارای اعتماد اجتماعی پایین، ۸۲.۶ درصد افراد دارای اعتماد اجتماعی

متوسط و ۷.۳ درصد افراد نیز دارای اعتماد اجتماعی بالایی‌اند که در مجموع نشان‌دهنده‌ی میزان اعتماد متوسط در جامعه‌ی آماری مورد پژوهش است.

نمودار شماره‌ی ۲. شاخص اعتماد اجتماعی در شهر نورآباد



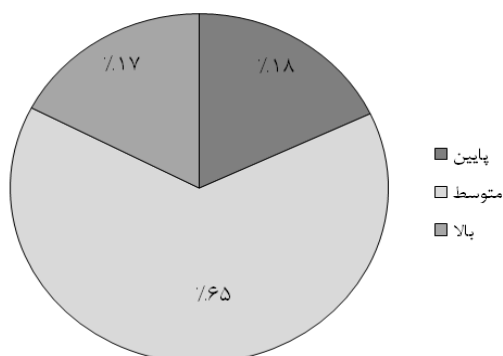
تحلیل توصیفی مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی: جدول ۳ میزان مشارکت اجتماعی در شهر نورآباد را نشان می‌دهد. توزیع فراوانی شاخص مشارکت اجتماعی در میان پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که در مجموع میزان مشارکت اجتماعی ۱۸ درصد کل پاسخ‌گویان در حد پایین و ۶۴.۶ درصد در حد متوسط و ۱۷.۴ درصد در حد بالاست که نشان می‌دهد که میزان مشارکت اجتماعی شهروندان شهر نورآباد متوسط است. شایان ذکر است میانگین مشارکت ۲.۹۹۴، انحراف استاندارد ۰.۵۶۳ بیش‌ترین میزان ۴.۶۲ و کمترین میزان ۱.۴۶ است.

جدول شماره‌ی ۲: تحلیل توصیفی شاخص مشارکت اجتماعی

میزان مشارکت اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
پایین	۶۴	۱۸.۰	۱۸.۰
متوسط	۲۳۰	۶۴.۶	۸۲.۶
بالا	۶۲	۱۷.۴	۱۰۰.۰
میانگین: ۲.۹۹۴ حداقل: ۱.۴۶			
انحراف استاندارد: ۰.۵۶۳ حداکثر: ۴.۶۲			

نمودار شماره ۳: میزان مشارکت اجتماعی



ب) تحلیل استنباطی رابطه‌ی بین اعتماد فردی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی

آزمون فرضیات

فرضیه‌ی شماره‌ی یک: به نظر می‌رسد بین اعتماد فردی و مشارکت اجتماعی در شهر نورآباد رابطه‌ی معناداری وجود دارد. فرضیه‌ی اول با استفاده از تکنیک ضریب همبستگی آزمون شده است. نتایج به دست آمده در جدول شماره‌ی ۴ نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری بین اعتماد بین فردی و مشارکت اجتماعی وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر اعتماد فردی و مشارکت اجتماعی ۰.۱۹۱ است که دارای سطح معناداری ۰.۰۱۱ است. به عبارتی، با اطمینان ۹۵٪ بین دو متغیر اعتماد بین فردی و مشارکت اجتماعی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.

جدول شماره‌ی ۳. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل فاصله‌ای اعتماد فردی و مشارکت اجتماعی

شاخص	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	معناداری
مشارکت اجتماعی	۴۲.۰۳۳	۷.۸۵۵	۰.۱۹۱	۰.۰۱۱
اعتماد فردی	۴۵.۳۵۰	۶.۹۱۵		

فرضیه‌ی شماره دو: به نظر می‌رسد بین اعتماد تعمیم‌یافته و مشارکت اجتماعی در شهر نورآباد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی دوم با استفاده از تکنیک ضریب همبستگی آزمون شده است. نتایج جدول شماره‌ی ۴-۱۳ نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین اعتماد تعمیم‌یافته و مشارکت اجتماعی وجود ندارد. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر اعتماد تعمیم‌یافته و مشارکت اجتماعی ۰.۰۶۹ است که دارای سطح معناداری ۰.۳۵۸ می‌باشد. به عبارتی، بین دو متغیر اعتماد تعمیم‌یافته و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول شماره‌ی ۴. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر اعتماد تعمیم‌یافته و مشارکت اجتماعی

شاخص	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	معناداری
مشارکت اجتماعی	۴۲.۰۳۳	۷.۸۵۵	۰.۰۶۹	۰.۳۵۸
اعتماد تعمیم یافته	۴۷.۹۳۸	۵.۳۷۴		

فرضیه‌ی شماره‌ی سه: به نظر می‌رسد بین اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی در شهر نورآباد رابطه معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه‌ی سوم با استفاده از تکنیک ضریب همبستگی انجام گرفته است. جدول شماره‌ی ۵ نشان دهنده ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری بین اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی برابر ۰.۳۵۳ است که دارای سطح معناداری ۰.۰۰۰ است. به عبارتی، با اطمینان ۹۹٪ بین دو متغیر اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.

جدول شماره‌ی ۵. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی

شاخص	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	معناداری
مشارکت اجتماعی	۴۲.۰۳۳	۷.۸۵۵	۰.۳۵۳	۰.۰۰۰
اعتماد نهادی	۹۰.۵۷۸	۲۲.۳۵۹		

فرضیه‌ی شماره‌ی چهارم: به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، جنس، وضع تأهل، مسکن، درآمد و وضعیت شغلی) و مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

در این تحقیق با توجه به اینکه متغیرهای جنس، وضعیت تأهل و وضعیت شغلی متغیرهای اسمی مقوله‌ای به‌شمار می‌روند و مشارکت اجتماعی متغیر فاصله‌ای است از آزمون t با نمونه‌های مستقل استفاده شده است. به‌عبارت دیگر، در این فرضیه به دنبال آن هستیم که آیا بین جامعه زنان و مردان، بین افراد متأهل و مجرد، بین افراد شاغل و بیکار از نظر مشارکت اجتماعی تفاوت وجود دارد یا خیر؟

نتایج نشان می‌دهد بین جنس و میزان مشارکت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، میزان مشارکت اجتماعی هر دو جنس به یک اندازه نیست. میزان مشارکت مردان بیش‌تر از زنان است. مقایسه وضع تأهل پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که مقدار میانگین امتیاز مشارکت در دو گروه متأهلین و مجردین اختلاف چندانی با هم ندارند. مقدار t به‌دست آمده، در هر دو گروه تقریباً یکسان است؛ بنابراین با سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری ($sig < /0.05$) درصد فرضیه رد می‌شود، به این صورت که بین وضع تأهل و مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. بین وضعیت شغلی و میزان مشارکت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد و این را می‌توان از مقایسه‌ی بین میانگین‌های دو گروه زنان و مردان مشاهده کرد. نتایج بیانگر بالاتر بودن امتیاز مشارکت در گروه شاغلین در مقایسه با گروه بیکاران است.

سن و مشارکت اجتماعی

بر اساس جدول شماره‌ی ۶ ضریب همبستگی بین سن و مشارکت اجتماعی ۰.۱۱۸ است. بنابراین با سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری $sig > /0.05$ می‌توان گفت، بین سن و مشارکت اجتماعی شهروندان، همبستگی وجود ندارد.

جدول شماره ۶: ضریب همبستگی پیرسون بین سن و مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی	سن	متغیر
$r=0.118$ $sig=0.116$ $N=356$	$r=1$ $sig=0.000$ $N=356$	سن
$r=1$ $sig=0.000$ $N=356$	$r=0.118$ $sig=0.116$ $N=356$	مشارکت اجتماعی

به منظور بررسی معناداری رابطه بین متغیرهای نوع شغل، تحصیلات، درآمد، مسکن با متغیر مشارکت اجتماعی از آنالیز واریانس یک‌طرفه استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سطح تحصیلات، وضعیت مالکیت مسکن، درآمد خانوار و وضعیت شغلی تأثیر معناداری بر مشارکت اجتماعی پاسخ‌گویان در شهر نورآباد ندارند.

جدول شماره ۷. ۷. آزمون تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی بر حسب وضعیت مسکن، درآمد، تحصیلات و نوع شغل

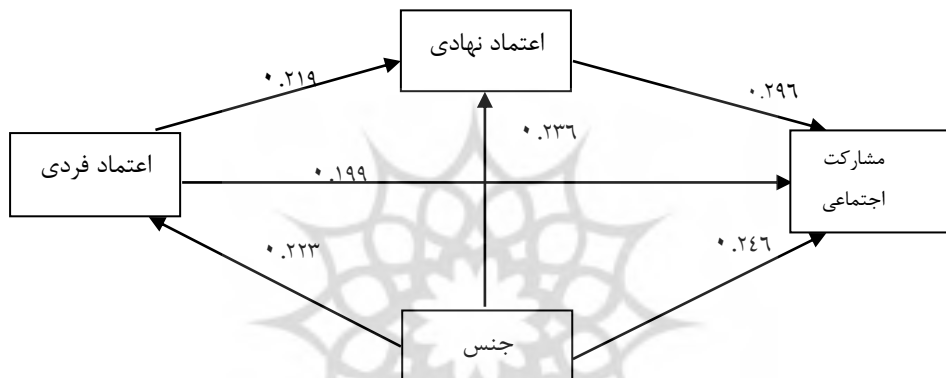
نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	میانگین	مقدار F	سطح معناداری
مالکیت مسکن	مالک	۲۰۸	۴۲.۵۱۹	۰.۸۰۶	۰.۴۴۸
	مستأجر	۱۱۶	۴۱.۵۵۱		
	سایر	۳۰	۴۰.۰۰۰		
میزان درآمد	کمتر از ۲۰۰ هزار تومان	۱۱۲	۴۰.۵۰۰	۲.۱۴۴	۰.۰۷۸
	۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان	۶۰	۴۵.۳۰۰		
	۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان	۶۰	۴۱.۳۶۶		
	۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان	۴۲	۴۲.۲۸۵		
	بالاتر از ۸۰۰ هزار تومان	۳۶	۴۳.۶۶۶		
میزان تحصیلات	بی سواد	۴	۴۳.۵۰۰	۱.۱۴۰	۰.۳۴۱
	ابتدایی و راهنمایی	۱۲	۴۵.۶۶۶		
	دبیرستان	۲۸	۴۰.۲۸۵		
	دیپلم	۱۰۴	۴۲.۲۳۰		
	فوق دیپلم	۵۶	۴۳.۱۴۲		
	لیسانس و بالاتر	۱۵۲	۴۰.۸۰۲		
نوع شغلی	کارمند	۱۱۰	۴۳.۳۶۳	۱.۷۰۲	۰.۱۲۴
	کارگر	۱۶	۴۴.۲۵۰		
	آزاد	۵۸	۴۲.۲۴۱		
	دانشجو	۶۴	۳۹.۸۱۲		
	خانه دار	۴۰	۳۹.۳۵۰		
	کشاورز	۱۰	۴۸.۰۰۰		
	سایر	۳۰	۴۲.۸۰۰		

تحلیل مسیر

در مرحله‌ی اول رگرسیون چندمتغیره مقدار بتای متغیرهای اعتماد نهادی، جنسیت و اعتماد فردی معنی‌دار بوده‌اند که از بین این سه متغیر مقدار بتا یا سهم تأثیر متغیر اعتماد نهادی بیش‌تر بوده است. بنابراین در مرحله‌ی دوم اعتماد نهادی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و متغیرهای جنسیت و اعتماد فردی متغیرهای مستقل بوده‌اند. در نهایت، در گام سوم متغیر جنسیت به عنوان متغیر وابسته و اعتماد نهادی به عنوان متغیر مستقل وارد مدل رگرسیونی شده‌اند و نتایج حاصل در نمودار زیر ارائه شده است. نتایج تحلیل مسیر

بیانگر اثر مستقیم متغیرهای اعتماد نهادی، اعتماد فردی و جنسیت بر مشارکت است. متغیر جنسیت علاوه بر اثر مستقیم بر مشارکت، از طریق متغیر اعتماد نهادی (۰.۰۶۹) و از طریق متغیر اعتماد فردی و به دنبال آن متغیر اعتماد نهادی (۰.۰۱۴) دارای اثر غیر مستقیم نیز می‌باشد. متغیر اعتماد نهادی علاوه بر اثر مستقیم دارای اثر غیرمستقیم بر مشارکت است که از طریق متغیر اعتماد نهادی (۰.۰۶۴) اعمال شده است.

نمودار شماره ۴: تحلیل مسیر



بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۰/۳ سال است. پاسخ‌گویان با تحصیلات لیسانس و بالاتر بیش‌ترین فراوانی را داشته‌اند (۴۲/۷). تعداد پاسخ‌گویان مرد دو برابر زنانند. ۶۵ درصد پاسخ‌گویان متأهل و ۳۵ درصد مجردند. از نظر وضعیت شغلی، بیش‌ترین پاسخ‌گویان کارمند (۳۰/۹) و کم‌ترین آن‌ها کشاورزند (۲/۷ درصد). میانگین میزان مشارکت اجتماعی ۲.۹۹۴ است. میزان مشارکت ۱۸ درصد کل پاسخ‌گویان پایین، ۶۴.۶ درصد متوسط و ۱۷.۴ درصد بالاست و در مجموع میزان مشارکت در جامعه‌ی مورد مطالعه متوسط است که از مهم‌ترین دلایل آن مهاجرت روستایی بالا، عدم آشنایی و آگاهی کافی اکثر شهروندان از فرهنگ شهرنشینی و حاکم بودن ارزش‌های قومی و قبیله‌ای است.

- میزان اعتماد اجتماعی ۱۰/۱ درصد افراد نمونه پایین، ۸۲/۶ درصد متوسط و ۷/۳ درصد بالاست که در مجموع میزان اعتماد اجتماعی نیز متوسط است.

- بررسی رابطه بین انواع اعتماد با مشارکت نشان می‌دهد که اعتماد نهادی و اعتماد فردی رابطه معناداری با مشارکت اجتماعی دارند و هرچه سطح اعتماد نهادی و فردی بالاتر باشد میزان مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های این پژوهش نظریات پاتنام و اینگلهارت در خصوص رابطه‌ی اعتماد و مشارکت را تأیید می‌کند. پاتنام عقیده دارد که اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح آن در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. اینگلهارت معتقد است که اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر بر مشارکت است؛ زیرا با اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌شود که نتیجه آن تقویت حوزه کنش و تصمیم‌گیری است.

- اینگلهارت و لرنر معتقدند که تحصیلات با مشارکت اجتماعی رابطه دارد؛ یعنی افراد با تحصیلات بالا نسبت به افراد با تحصیلات پایین‌تر از مشارکت اجتماعی بیش‌تری برخوردارند. دلایل آن از نظر محققان مورد بحث نیاز شهر به افراد باسواد و متخصص و وجود نهادهای دولتی و خصوصی گوناگونی است که با نیروی کار فکری متخصصان اداره می‌شود؛ اما نتایج این تحقیق نظرات اینگلهارت و لرنر را تأیید نمی‌کند. شاید از دلایل این پدیده‌ی فقدان نهادهای غیردولتی و دولتی‌ای دانست که به کار و تخصص آن‌ها نیاز داشته باشند. این به معنای آنست که در جامعه‌ی مورد پژوهش افراد متخصص و باسواد مجرایی برای مشارکت اجتماعی ندارند؛ آن‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های شهری شرکت داده نمی‌شوند و از نظراتشان استفاده نمی‌شود.

- یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر، نقش جنس در مشارکت اجتماعی است. چنانچه پیش از این آمد، دو جنس مردان و زنان از نظر مشارکت اجتماعی با هم تفاوت دارند و میزان مشارکت اجتماعی مردان بیش‌تر از زنان است. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین دلیل کاهش مشارکت زنان در شهر نورآباد حاکمیت فرهنگ مردسالاری و نگرش منفی نسبت به حضور زنان در حوزه‌ی عمومی و عدم گسترش فضای عمومی برای فعالیت‌های زنانه و به عبارت دیگر، مردانه بودن سپهر زندگی است. بافت سنتی شهر نورآباد که عمدتاً از مهاجرین روستایی و عشایری تشکیل شده است امکان مشارکت بسیار کم‌تری را برای زنان در مقایسه با مردان فراهم می‌کند.

- در تحقیق حاضر بین سایر متغیرهای زمینه‌ای (درآمد، وضعیت شغلی، وضعیت تأهل و نوع مسکن) با مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معناداری مشاهده نگردید. در حالی که در بیش‌تر تحقیقات انجام‌گرفته رابطه بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و مشارکت مورد تأیید قرار گرفته است. هانتینگتون و نلسون معتقدند که هرچه افراد به طبقه و پایگاه اجتماعی بالاتری تعلق داشته باشند از مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردارند. بنابراین نتایج این پژوهش یافته‌های محققان در زمینه رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای با مشارکت را تأیید نمی‌کند. شاید به دلیل این است که در جامعه‌ی مورد مطالعه تنوع شغلی کم است.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادهایی در جهت بهبود سطح مشارکت اجتماعی در جامعه مورد بررسی ارائه می‌گردد.

عملی کردن وعده‌های داده شده به مردم از سوی مسئولان، نظارت دقیق و مستمر بر عملکرد نهادها و دستگاه‌های دولتی، اطلاع‌رسانی شفاف و به موقع از سوی مسئولان به مردم در خصوص کمبودها و کاستی‌های شهر، افزایش تماس بین مردم و مسئولان از طریق مختلف می‌توانند به بهبود اعتماد نهادی و در نتیجه افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری کمک کنند.

عملکرد پایین نهادها و سازمان‌های دولتی شهر در ارائه خدمات؛ از جمله، نبود متخصص و کمبود امکانات بهداشتی و درمانی، ضعف زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (اشتغال‌زایی، آموزش عالی کارآمد) در جامعه مورد مطالعه از موجبات بدبینی و عدم رضایت مردم از مسئولان شهری است. تلاش و برنامه‌ریزی برای رفع مشکلات از سوی دولت رابطه آسیب دیده بین مردم و دولت را ترمیم می‌کند.

فراهم کردن فضا و شرایط برای فعالیت‌های انجمن‌های داوطلبانه و سازمان‌های غیردولتی باعث تقویت فرهنگ همیاری در جامعه، توانمندسازی شهروندان به ویژه زنان، تقویت خودباوری و استقلال شهروندان از دولت می‌شود.

با توجه به پایین بودن میزان مشارکت زنان نسبت به مردان در جامعه مورد پژوهش، باید تدابیری در جهت حضور بیش‌تر زنان در جامعه فراهم شود. به این منظور لازم است در بافت سنتی نورآباد در جهت اصلاح نگرش و باور عمومی نسبت به کار زنان در خارج از خانه و

مشارکتشان در امور شهری برنامه‌ریزی فرهنگی بلندمدت انجام شود. علاوه بر آن، تأسیس نهادهای مربوط به زنان، ایجاد کارگاه‌های آموزشی تخصصی برای زنان در زمینه‌های مختلف فرهنگی و شغلی توانمندی آن‌ها را تقویت می‌کند. گسترش حوزه‌ی عمومی بر روی زنان شامل اختصاص وقت‌های بیش‌تر استفاده از مراکز تفریحی و فرهنگی عمومی نظیر کتابخانه‌ها، پارک‌ها، باشگاه‌ها، استخرها برای زنان و برگزاری مسابقات یا جشنواره‌های زنانه برای زنان میزان حضور و مشارکت آن‌ها در جامعه را افزایش می‌دهد.

از آن‌جا که در جامعه مورد مطالعه فرهنگ قومی و قبیله‌ای بر فرهنگ مدنی سلطه دارد، لازم است آموزش‌های مدنی و فرهنگ‌سازی از سوی نهادهای دولتی شهر از جمله شهرداری، آموزش و پرورش و شبکه‌ی استانی صدا و سیما برای همه‌ی شهروندان صورت گیرد.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات مؤسسه کلمه.
- انعام، راحله (۱۳۸۱)، بررسی اعتماد بین شخصی در بین روستاییان، شهرستان نمونه شهریاری، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، پژوهش اجتماعی دانشگاه الزهراء.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته صنعتی.
- اوفه، کلاوس (۱۳۸۴)، چگونه می‌توانیم به شهروندان اعتماد کنیم در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاج‌بخش، ترجمه‌ی افشین خاکباز، تهران: نشر شیرازه.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، محمدتقی دل‌فروز، تهران: نشر روزنامه‌ی سلام.
- پیران، پرویز (۱۳۷۴)، برنامه جامع آگاه‌سازی همگانی: شهروندمداری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- چلبی مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، مشارکت اجتماعی، هدف یا وسیله، مجله‌ی اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال دهم شماره ۱۰۹-۱۱۰، تهران.
- زومکا، پیوتر (۱۳۸۶)، اعتماد: نظریه‌ی جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- زومپکا، پیوتر (۱۳۸۴)، اعتماد؛ یک نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی فاطمه گلابی، تبریز: انتشارات ستوده
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی کاشان، پایان‌نامه دکتری، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۳)، درآمدی بر وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)، پایان نظم، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی، تهران: نشر حکایت قلم نوین.
 کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، نظریه‌ی بنیادهای اجتماعی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
 گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، راه سوم، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: شیرازه.
 میرموسوی، سیدعلی (۱۳۷۵)، مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکت، نقد و نظر، سال دوم، شماره سوم و چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۷۵.
 محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی.
 ورسلی، پیتر (۱۳۷۸)، نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی سعید معیدفر، تهران، چاپ اول، انتشارات تبیان.

Fukuyama, F. (1995). Trust: The Social Virtues and the creation of prosperity. New York, free press.

Luhmann, Niklas (1979) Trust and Power, New York: Wiley

Marschall, M.J. (2004) Citizen Participation and Neighborhood, context: A New Look at the Coproduction of Local Public Goods, Political Research Quarterly, Vol. 57, No. 2, pp:231-244.

Paxton, Pamela (1999) Is social capital declining in the United States? A Multiple Indicator Assessment. AJS.,

Putnam, R. D. (1995) Bowling Alone: America's Declining social capital, Journal of Democracy.

Rose, R. (1999) Getting Things Done in an Antimodern Society: Social Capital Network in Russia, In Dasgupta and Stiglitz (1999:71-147)